

## بررسی ناسازگاری عقاید و عملکرد داعش با آموزه‌های قرآنی

حمیدالله رفیعی زابلی\*

### چکیده

تاریخ گواهی می‌دهد که جریانهای متعددی با این ادعا که اسلام اصیل هستند موجب بحرانیهای اعتقادی و اجتماعی در جامعه اسلامی شده‌اند. یکی از این جریانها گروه داعش است که اذهان جهانیان را به‌عنوان اسلام واقعی به‌سوی خود جلب کرده است. این نوشته با تحلیل انتقادی و روش کتابخانه‌ای به بررسی ارتباط بین اسلام و داعش می‌پردازد و تأکید می‌کند که داعش یک گروه سلفی تکفیری است و هیچ آموزه‌ای در قرآن وجود ندارد که رفتارهای این گروه را توجیه کند. نویسندگان مختلف بر این نکته تأکید دارند که تروریسم، به‌ویژه «تروریسم اسلامی»، یک مفهوم نادرست است و باید به‌عنوان پدیده‌ای غیرمذهبی تلقی شود. داعش و گروه‌های مشابه به‌واسطه عدم درک صحیح از اسلام و یا به‌عنوان ابزارهای سیاسی از سوی قدرت‌های خارجی برای اهداف خاصی شکل گرفته‌اند. این متن بر اهمیت صلح، انسانیت و عدالت در اسلام تأکید می‌کند و می‌گوید که آموزه‌های قرآن بر حفظ حیات و کرامت انسانی تأکید دارند. همچنین، به تحلیل آیات قرآن درباره جهاد پرداخته و تأکید می‌کند که هیچ‌یک از این آیات مجوزی برای کشتن بی‌گناهان یا رفتارهای غیرانسانی نمی‌دهند. در نهایت، نتیجه‌گیری می‌شود که رفتارهای گروه‌های تروریستی نه تنها نمایانگر دین اسلام نیست، بلکه از اصول آن فاصله دارند.

**واژگان کلیدی:** داعش، اسلام، آموزه‌های قرآن، تروریسم، جهاد.

---

\*. طلبه سطح چهار تخصصی کلام اسلامی، مؤسسه امام صادق، z.abuli55@yahoo.com

## مقدمه

در دنیای امروز، با توجه به گسترش افراط‌گرایی و ظهور گروه‌های تروریستی همچون داعش، اسلام به‌طور نادرستی با خشونت و تروریسم مرتبط شده است. این ارتباط نادرست به‌ویژه در رسانه‌ها و افکار عمومی تقویت شده و منجر به ایجاد تصورات غلط درباره دین اسلام و آموزه‌های آن شده است. درحالی‌که قرآن کریم و تعالیم اسلامی به‌وضوح بر صلح، محبت و احترام به زندگی انسانها تأکید دارند، گروه‌های تروریستی با تحریف این آموزه‌ها و سوءاستفاده از نام اسلام، اقدام به ارتکاب جنایات وحشتناک می‌کنند. این مقاله تلاش می‌کند تا با بررسی عمیق آموزه‌های قرآن و سیره پیامبر اسلام ﷺ نشان دهد که هیچ‌یک از اعمال و عقاید این گروه‌ها نمی‌تواند به‌عنوان نماینده واقعی اسلام قلمداد شود. همچنین، با استناد به آیات قرآن و تفاسیر معتبر، به تحلیل دلایل بروز این گروه‌ها و چالش‌هایی که مسلمانان در برابر این تحریفات با آن مواجه هستند پرداخته خواهد شد. هدف این نوشتار، تبیین حقیقت اسلام به‌عنوان دینی صلح‌مدار و انسانی و جداسازی آن از اعمال خشونت‌آمیز گروه‌های افراطی است.

## ریشه‌های اعتقادی و سیاسی داعش

گروه داعش مخفف «دولت اسلامی در عراق و شام» یک گروه سلفی تکفیری است. این گروه از خطرناک‌ترین گروه‌های تروریستی فرقه وهابیت است. هسته اولیه داعش به سال ۲۰۰۴م و زمان ابومصعب زرقاوی برمی‌گردد که شعبه‌ای از القاعده را در عراق رهبری می‌کرد. بعد از مرگ زرقاوی شورای مجاهدین «ابوحزمه المهاجر» را به ریاست این گروه انتخاب کرد. در همین حال در پایان سال ۲۰۰۶م «دولت اسلامی عراق» به رهبری ابوعمر بغدادی تشکیل شد. پس از کشته شدن «ابوعمر بغدادی» و «ابوحزمه المهاجر» در ۲۰۱۰م «ابوبکر بغدادی» به‌عنوان رهبر دولت اسلامی عراق تعیین شد. بعدها القاعده عراق در جنگ سوریه دولت اسلامی عراق و شام را مطرح کرد. ابوبکر بغدادی پس از سیطره داعش بر مناطق شمالی و شرقی سوریه بدون مشورت با سرکردگان عالی القاعده به‌ویژه ایمن الظواهری امارت خود را در سوریه اعلام کرد (فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ص ۴۵-۴۶). بعد از کشته

شدن ابوبکر بغدادی در ۲۷ اکتبر ۲۰۱۹م ابوالحسین هاشمی قرشی و پس از مرگ او در ۲۰۲۲م ابوحفص هاشمی قرشی رهبری این گروه را به عهده گرفته است.

فرقه وهابیت توسط محمدبن عبدالوهاب در سال (۱۱۶۰ق) در شهر درعیه عربستان با کمک امیر درعیه محمدبن سعود جد آل سعود تأسیس شده است (مغویه، ۱۴۱۴ق، ص ۸۸-۹۰). این فرقه با اینکه خود را اهل سنت واقعی قلمداد می‌کند، علمای مذاهب چهارگانه اهل سنت این فرقه را از گذشته تا امروز در زمره اهل سنت نپذیرفته‌اند. از این رو در سال ۱۳۹۵ش از ۴ تا ۶ شهریور اجلاسی با هدف شناسایی و معرفی هویت اهل سنت و جماعت، با حضور بیش از ۱۰۰ مفتی و اندیشمندان ارشد اهل سنت از کشورهای مختلف از جمله روسیه، سوریه، لبنان، اردن، ترکیه، هند، سودان، انگلیس، آفریقای جنوبی و مصر- (خبرنامه سیاسی، فرهنگی اجتماعی، شماره ۱۳۰۰، ص ۴۷) به‌ویژه با حضور احمد الطیب شیخ الازهر مصر به میزبانی گروزی پایتخت چین برگزار شد (خبرگزاری تسنیم).

در این کنفرانس شرکت‌کنندگان در ضمن بررسی مسائل مهم جهان اسلام از جمله سوءاستفاده تروریسم و افراط‌گرایی از دین، توسل به این اقدام‌ها را محکوم و بر لزوم روشنگری اندیشمندان مذاهب اسلامی علیه رویکردهای ضداسلامی تأکید کرده و اعلام کردند که تروریست‌ها هیچ ارتباطی با مذهب اهل سنت ندارند (خبرنامه سیاسی، فرهنگی اجتماعی، شماره ۱۳۰۰، ص ۴۷).

مهم‌ترین نتیجه این کنفرانس، خروج وهابیت از دایره اهل سنت بود و بر این مطلب تأکید شد که اهل سنت و جماعت در اعتقاد و مذاهب کلامی اشاعره و ماتریدیه، در فقه پیروان مذاهب چهارگانه اهل سنت (حنبلی، حنفی، شافعی و مالکی) و اهل تصوف هستند» (خبرنامه سیاسی، فرهنگی اجتماعی، شماره ۱۳۰۰، ص ۴۷).

بنابراین وهابیت در بدنه مذهب اهل سنت جایگاهی ندارد و یک تفکر اعتقادی جدید مبتنی بر عقاید ابن‌تیمیه و محمدبن عبدالوهاب است که پیوسته در مقابل مسلمانان اعم از اهل سنت و شیعه قرار داشته و آنان را تکفیر می‌کند. محمدبن عبدالوهاب می‌گوید: «شرک مسلمانان غلیظ‌تر از شرک بت‌پرستان زمان جاهلیت است زیرا مشرکین فقط در حال خوشی و رفاه مشرک بودند و در حال سختی و گرفتاری موحد و خداپرست می‌شدند، لکن

مسلمانان در هر دو حال (شدت و رخا) مشرک هستند» (محمدبن عبدالوهاب، بی‌تا، ص ۱۲۱؛ محمدبن عبدالوهاب، ۱۴۲۰ق، ص ۳۳ و ۳۴) و نیز می‌گوید: «کسی که مشرکین (مسلمانان) را تکفیر نکند یا شک در کفر آنان داشته باشد از بزرگ‌ترین نواقض اسلام است» (عویس، ۱۴۲۳ق، ص ۱۳۵).

قنوجی در این رابطه می‌گوید: «در زمان ما اتباع محمدبن عبدالوهاب که از نجد سر درآورد و بر حرمین مسلط گردیدند همه آنان اعتقاد بر این دارند که فقط آنان مسلمان هستند و غیر آنها هرکسی می‌خواهد باشد مشرک‌اند و با این شعار کشتار اهل سنت و علما آنها را مباح دانستند» (قنوجی، ۱۹۹۸م، ج ۳، ص ۱۹۸).

### داعشی پدیده بیگانه از اسلام

هیچ آموزه‌ای در قرآن کریم وجود ندارد که عقاید و عملکرد گروه‌های تروریستی و خشونت‌آمیز مثل داعش و امثال آن را تأیید کند. یکی از نویسندگان آلمانی درباره تروریسم می‌گوید: «تروریسم هرگز مذهبی نیست. واقعیت این است که «تروریسم اسلامی» وجود ندارد، همان‌طور که تروریسم «جمهوری‌خواه ایرلند» شمالی یا تروریسم «آندرس بریویک» نروژی هرگز تروریسم مسیحی نبود. این ما هستیم که تروریسم مسلمانان را اسلامی می‌نامیم؛ درحالی‌که تروریسم غربی را هرگز تروریسم مسیحی‌گرا نمی‌خوانیم» (تودنهورف، ۱۳۹۵، ص ۳۶) همین نویسنده می‌گوید: «داعش یک سازمان تروریستی جنایتکار و آدمکش است؛ کارهایش را می‌توان توضیح داد، اما نمی‌توان توجیه کرد» (تودنهورف، ۱۳۹۵، ص ۳۹). معنای اینکه نمی‌توان کارهای آن را توجیه کرد این است که عملکرد این گروه جایتکار هیچ ریشه‌ای در دین اسلام و قرآن ندارد تا قابل توجیه باشد.

داعشیان و دیگر گروه‌های تکفیری و تروریستی یا به دلیل عدم احاطه بر تعالیم اسلام و یا به خاطر مأموریت داشتن از سوی بیگانگان دقیقاً برای مخالفت با اسلام ایجاد شده‌اند که گزینه دوم به حقیقت نزدیک است؛ زیرا دشمنان اسلام پس از شکست فتنه در ایران به فکر ایجاد داعش افتادند و از مهم‌ترین دلایل بروز گروه‌های تکفیری، سیاست نظام سلطه «بدل‌سازی» از اسلام ناب محمدی ﷺ فرایند سوار شدن بر موج بیداری اسلامی، ایجاد رویکرد منفعت‌محور و زاویه‌دار با مصلحت مسلمانان است (فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ص ۴۴).

در میان حامیان سنتی داعش بیش از همه نام عربستان و سپس آمریکا مطرح است. اطلاعات موثق از نقش سازمان اطلاعات عربستان و شخص «بندرین سلطان» رئیس سابق دستگاه جاسوسی این کشور در تشکیل گروه‌های تروریستی خطرناکی همچون داعش و جبهه‌النصره حکایت می‌کند. درخصوص حمایت آمریکا از این گروه نیز تردید وجود ندارد؛ زیرا گزینه فعلی (جنگ مذهبی میان مسلمانان و عملکرد جریانهای تکفیری همچون داعش) بهترین گزینه برای استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌المللی در جهت فرسایش و تضعیف جهان اسلام محسوب می‌شود. نقش گسترده‌تر آمریکا در گسترش گروهک تروریستی تکفیری داعش در گزارشی که نشریه تایمز لندن منتشر کرده است بیشتر روشن می‌شود. مطابق با گزارش این نشریه، گروهک تروریستی داعش با دخالت مستقیم سازمانهای نظامی و امنیتی آمریکا به وجود آمده است (فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ص ۵۳-۵۴).

وزیرخارجه سابق آمریکا در کتاب خود با عنوان گزینه‌های دشوار سخنان غافلگیرکننده‌ای را مطرح ساخته و اذعان کرده است که داعش در واقع ساخته دست آمریکا با هدف تقسیم خاورمیانه است. او در این کتاب نوشته که با دوستان این توافق حاصل شد تا به محض اعلام تأسیس داعش این گروه به رسمیت شناخته شود. اما ناگهان همه چیز فروپاشید (برگرفته از سایت خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا))

دونالد ترامپ در خلال سفرهای تبلیغاتی‌اش در سال ۲۰۱۶ به صورت آشکار اعلام کرده است که هیلاری کلینتون به همراه اوباما داعش را خلق کرده‌اند (سایت مشرق).

## اهداف گروه داعش

ویژگی‌های عملکرد داعش آشکارا در راستای تحقق اهداف دشمنان اسلام و به‌ویژه اسرائیل و آمریکا قرار دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تخریب چهره اسلام و ایجاد تنفر در اذهان جهانیان نسبت به دین اسلام یکی از اهداف و پیامدهای مهم این گروه است. به همین دلیل در هنگام بریدن سر اسیران مسلمان و غیرمسلمان خود پرچم سیاه را که در آن کلمه توحید نگاشته شده به نمایش می‌گذارند تا به جهانیان نشان دهند که اسلام یعنی سر بریدن و کشتن انسان.
۲. تهدید یکپارچگی و تمامیت ارضی کشورهای اسلامی.

۳. درونی شدن تهدیدات و کاهش تهدید علیه رژیم صهیونیستی.
۴. آوارگی جمعیت و مهاجرت آنها به کشورهای همسایه.
۵. افزایش نفوذ سرویس‌های جاسوسی بیگانه.
۶. تخریب آثار دینی و تمدن اسلامی.
۷. مقابله با اسلام ناب به خصوص جمهوری اسلامی ایران.
۸. و ...

### جایگاه صلح و فساد از دیدگاه اسلام

عملکرد گروه‌های تکفیری مثل داعش نمی‌تواند آئینه شناخت دین اسلام باشد. اسلام را باید از آموزه‌های موجود در قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت علیهم السلام و سیره معصومان علیهم السلام تلقی کرد. کسی که می‌خواهد درباره اسلام اظهارنظر کند عقلاً موظف است احاطه کامل بر تعالیم اسلام و آموزه‌های قرآنی داشته باشد.

آموزه‌های اسلام با تمام شفافیت بر صلح و نفی فساد و فتنه تأکید دارد. در قرآن کریم و تعالیم اصیل اسلام هیچ شائبه‌ای از تروریسم و آدمکشی وجود ندارد؛ بلکه بر نهی از کشتن دیگران توصیه‌های محکمی دارد. قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمانان به زندگی انسان به خاطر انسان بودنش بسیار ارزش داده و به هیچ‌کسی حق نمی‌دهد که انسانی را بکشد. خداوند می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ...» (مائده/۳۲)؛ یعنی هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسانها را کشته و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.

این‌که خداوند فرموده کشتن یک انسان به منزله کشتن همه انسانها است، معنایش این است که یک فرد از انسان از حیث آن حقیقتی که با خود حمل می‌کند و با آن زنده است و با آن می‌میرد، حقیقتی است که در همه افراد یکی است و فرقی بین بعضی از افراد و کل افراد نیست و فرد واحد و افراد بسیار در آن حقیقت واحد هستند و لازمه این معنا این است که کشتن یک فرد به منزله کشتن نوع انسان باشد و به عکس زنده کردن یک فرد، زنده کردن همه انسانها باشد، این آن حقیقتی است که آیه مورد بحث آن را افاده می‌کند

(طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۱۶) کشتاری را که گروه‌های تروریستی منسوب به اسلام انجام می‌دهند افزون بر اینکه با عقل و عقلانیت منافات دارد، با صریح این آیه شریفه در تضاد است و همین آیه شریفه به‌تنهایی کافی در بطلان عملکرد این گروه‌ها است؛ زیرا گروه‌هایی امثال داعش برخلاف این آیه شریفه انسانهای بی‌گناه را با بهانه‌های واهی در منازل و خانه‌هایشان قتل‌عام می‌کنند.

اسلام با آیه: «لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اعراف/ ۸۵)؛ همگان را از ایجاد فتنه و فساد در میان مردم نهی کرده است و آن را خیری برای مؤمنان دانسته است. همچنین در آیه دیگری فرموده است: در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید و او را با بیم و امید بخوانید! زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است! (اعراف/ ۵۶) اما عملکرد داعش در عراق و سوریه به قدری خشونت‌آمیز و ددمنشانه بوده و هست که حتی «ایمن الظواهری» رهبر القاعده، در عراق علیه عملکرد این گروه در برابر اهل سنت و شیعیان انتقاد کرد و مجبور شد به‌صورت رسمی اعلان کند که القاعده هیچ ارتباطی با گروه داعش ندارد (فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ص ۵۵).

### کشتن کافر از دیدگاه قرآن

در هیچ آیه‌ای از آیات قرآن کریم نیامده است اگر کافری مسلمان نشد او را گردن بزنید. آیه چهار سوره محمد شاهد روشن بر این مطلب است؛ زیرا در این آیه به‌صراحت می‌فرماید که اسیران کفار را نکشید بلکه آنان را محکم ببندید سپس یا بر آنان مَنّت گذارید (و آزادشان کنید) یا در برابر آزادی از آنان فدیّه [غرامت] بگیرید. تمام آیاتی که دستور کشتن کفار را داده، در هنگام جنگ و مقاتله با آنان است. در حال جنگ هیچ عاقلی نمی‌گوید که دشمن را نکشید چه اینکه جنگ برای کشتن و کشته شدن است.

اما داعشی‌ها برای کشتن انسان به‌حدی حریص‌اند که حتی کشتن غیرنظامیان را به‌گونه سادیستی با جشن و سرور برگزار می‌کنند (تودنهورف، ۱۳۹۵، ص ۵۷) و هیچ اعتقادی به عدم جواز کشتن اسیر ندارند. طبق گفته یکی از داعشی‌ها وقتی در موصل ۴۵۰۰ سرباز ارتش نوری مالکی را که شیعه و سنی بودند به اسارت می‌گیرند، ۱۷۰۰ نفر آنان را درجا اعدام می‌کنند و بقیه را هم که از نظر آنان مستحق اعدام بوده شاید به دلیل سنی بودنشان اعدام می‌کنند (تودنهورف، ۱۳۹۵، ص ۱۰۹).

داعشی‌ها به آیه ۱۲۳ سوره توبه برای کشتن همه کسانی که مخالف داعش هستند تمسک می‌جویند. این آیه شریفه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَعَلِّمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!) آنها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند و بدانید خداوند با پرهیزکاران است!

وجه استدلال داعش به این آیه این است که کافران و منافقانی که نزدیک و هم‌جوار با آنان است و مسلمان نمی‌شوند باید کشته شوند هر چند این کافران در خانه‌هایشان بوده و هیچ تصمیمی برای جنگ نداشته باشند. داعشی‌ها این آیه شریفه را برای کشتن شیعیان و مسلمانانی که در گروه آنان نیستند، مستمسک خود قرار داده و می‌گویند اینها منافق و کافران نزدیک به ما هستند و به دستور قرآن باید کشته شوند! (ملک‌زاده، ۱۴۰۱، ص ۳۰۷).

درحالی‌که این آیه شریفه هیچ اشاره‌ای به این ندارد که کفار اگر مسلمان نشدند آن‌گونه که داعشی‌ها می‌کشند باید کشته شوند. این آیه شریفه نه هیچ ربطی به اهداف داعش و تکفیری‌ها دارد و نه هیچ ربطی به کشتن کفار، بلکه این آیه روش جنگیدن را به مسلمانان گوشزد می‌کند؛ یعنی اگر جنگی از طرف کفار و دشمنان بر شما تحمیل شد، در جنگیدن باید تاکتیک‌های جنگی را رعایت کنید. مفسران در تفسیر این آیه با ذکر شأن نزول آن مطالبی بیان داشته و چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که در جبهه جنگ با کفار باید توجه مسلمانان به دشمنان نزدیک متمرکز باشد و با تمرکز به کفار دورتر، از کفار نزدیک غافل نشده و جنگ را به صورت تدریجی از نزدیک به سوی کفار دورتر ادامه دهند؛ و نیز گفته شده که این آیه در جنگ‌های رسول خدا ﷺ اشاره به جنگیدن با رومیان در شام دارد (غرناطی کلبی، ۱۴۰۳/ق ۱۹۸۳، ج ۲، ص ۸۶).

فخر رازی می‌گوید: «هنگامی که خداوند دستور جنگ با مشرکان را صادر کرد با این آیه شریفه مسلمانان را به راه درست جنگیدن ارشاد فرمود که از نزدیک آغاز کنند و به تدریج به مناطق دورتر منتقل شوند» (فخرالدین رازی، ۱۴۲۱/ق ۲۰۰۰، ج ۱۶، ص ۱۸۱). در روایات گفته شده که مراد از دشمنان نزدیک، یهودیان اطراف مدینه بوده است که شامل بنی‌قریظه و بنی‌نضیر و خیبر می‌شده است (ابی‌سعود، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۱۲).

بنابراین، آیه شریفه هیچ مسلمانی را به صورت ابتدایی به جنگ با کفار و کشتن آنان دستور نداده است تا گفته شود اسلام دین شمشیر و خونریزی است. افزون بر آن جنگیدن با غیرمسلمانان بدون علت، توجیه عقلی ندارد و تجویز خشونت و کشتار موجب نقض غرض می‌شود؛ زیرا تجویز خشونت و کشتار مردم از سوی دین اسلام، اذهان را نسبت به اسلام بدبین می‌کند؛ چنانکه امروز به عیان می‌بینیم عملکرد خشن و خونریز داعش اسلام را در اذهان برخی از مردم دنیا و حتی عده‌ای از مسلمانان منفور کرده و باعث فاصله گرفتن آنان از اسلام شده است. آنچه باعث محبوبیت و گسترش دین اسلام می‌شود عقلانیت دین اسلام مبتنی بر برهان و حکمت است که باید برای جهانیان عرضه شود. شمشیر و تفنگ نمی‌تواند قلب‌های مردم را به سوی اسلام جلب کند. از سوی دیگر اسلام به دلیل اینکه دین رحمت است با کشتن غیرمسلمانی که اصلاً متعرض مسلمانان نمی‌شود او را از حق زندگی محروم نمی‌کند و ممکن است در طول زندگی خود هدایت شده و از رحمت الهی برخوردار گردد. چنانکه مولوی در شعری گفته است:

هیچ کافر را به خواری منگرید که مسلمان مردنش باشد امید  
چه خبر داری ز ختم عمر او تا بگردانی ازو یک‌باره رو

(مولوی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۳۱)

### دعوت غیرمسلمانان به دین اسلام

داعشی‌ها با این پندار که فقط اعضای این گروه، مسلمانان واقعی هستند و دیگران اعم از شیعه و سنی مسلمان نیستند، حتی آنان را به زور شمشیر به اسلام خودشان دعوت نمی‌کنند و بدون دعوت، دست به کشتار غیرنظامیانی می‌زنند که سال‌ها خودشان و اجدادشان مسلمان بوده‌اند. این عملکرد داعش کاملاً با آیات روشن قرآن در تضاد است. قرآن کریم دستور داده که غیرمسلمانان باید به سوی اسلام دعوت شوند و این دعوت نه با شمشیر بلکه با حکمت و موعظه و جدال احسن باشد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مِمَّنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل/ ۱۲۵)؛ یعنی با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هرکسی بهتر می‌داند چه

کسی از راه او گمراه شده است و او به هدایت یافتگان داناتر است.

بنابر محتوای این آیه، هدایت شدن و هدایت نشدن انسانها به دست پیامبر و یا مسلمانان نیست. خداوند خطاب به پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (قصص/ ۵۶)؛ به درستی ای محمد تو هر که را دوست بداری هدایت نتوانی کرد، بلکه خداست که هر که را بخواهد هدایت می کند و او داناتر به کسانی است که قابل هدایت هستند».

بنابراین وظیفه پیامبر و مسلمانان این است که اسلام را به مردم بفهماند و راه را به آنان نشان دهند و اگر آنان مسلمان نشدند دلیلی نداریم که باید کشته شوند.

در حدیثی آمده است: «هنگامی که پیامبر اسلام ﷺ در جنگ خیبر پرچم را به دست حضرت علی علیه السلام داد. امام علی علیه السلام عرض کرد یا رسول الله با آنان بجنگم تا مثل ما شوند؟ رسول خدا ﷺ فرمود: به راحت ادامه بده تا در دیار آنان فرود آیی سپس آنان را به سوی اسلام دعوت کن و آنان را به چیزی که بر آنان واجب است خبردار کن. قسم به خداوند اگر خدا یک نفر را با دست تو هدایت کند برای تو بهتر از شتران سرخ‌موی بس گران‌قیمت است» (نیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۷۲). این دستور پیامبر اسلام وظیفه مسلمانان را در قبال غیرمسلمانان به صورت شفاف روشن کرده است و آن این است که مسلمانان اگر می‌توانند وظیفه دارند که دیگران را هدایت کنند نه اینکه آنان را بکشند و جامعه بشری را ملتهب کرده و موجب هرج و مرج شود.

از دیدگاه قرآن که موافق با عقل است پذیرش دین با اکراه نفی شده و قابل تحقق نیست. بر طبق آیه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره/ ۲۵۶) دین اجباری نفی شده است، چون دین عبارت است از يك سلسله معارف علمی که معارفی عملی را به دنبال دارد و جامع همه آن معارف، یک کلمه است و آن عبارت است از «اعتقادات»؛ و اعتقاد و ایمان هم از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد؛ چون کاربرد اکراه تنها در اعمال ظاهری است که عبارت است از حرکاتی مادی و بدنی (مکانیکی) و اما اعتقاد قلبی برای خود علل و اسباب دیگری از سنخ خود اعتقاد و ادراک دارد و محال است مثلاً جهل، علم را نتیجه دهد و یا مقدمات غیرعلمی، تصدیق علمی را بزاید. این آیه شریفه یکی از آیاتی است که دلالت



می‌کند بر این که مبنا و اساس دین اسلام، شمشیر و خون نیست و اکراه و زور را تجویز نکرده است. پس سست بودن سخن عده‌ای از آنها معلوم می‌شود که خود را دانشمند دانسته یا متدین به ادیان دیگر هستند و یا به هیچ دیانتی متدین نیستند و گفته‌اند که اسلام دین شمشیر است و بر این ادعا به مسئله جهاد که یکی از ارکان این دین است استدلال کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۲۳-۵۲۵).

براساس محتوای دین اسلام حتی اگر مشرک و بت پرستی به مسلمانی پناه برد باید به او پناه بدهد. قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه/۶)؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود! (و در آن بیندیشد) سپس او را به محل امنش برسان، چراکه آنها گروهی ناآگاه‌اند!». بر طبق این آیه شریفه خداوند متعال حتی اجازه کشتن یک بت پرست را به مسلمانان نداده است.

بهترین و عقلانی‌ترین الگوی اسلامی برای ما در برخورد با کافران و دشمنانی که تسلیم می‌شوند، سیره پیامبر اسلام ﷺ در فتح مکه است. ساکنان مکه به سرکردگی ابوسفیان بسیاری از مسلمانان را در جنگ‌های متعددی به شهادت رسانده بودند. زمانی که مکه فتح می‌شود برخی از جنگجویان مسلمان فریاد زدند که امروز روز درهم کوبیدن است؛ اما پیامبر اسلام ﷺ چنین شعار داد که «الیوم یوم المرحمة» یعنی امروز روز رحمت است و با این شعار همه دشمنان خود را بخشید و هیچ کسی را نکشت مگر چند نفری را که مقاومت کرده و یا مرتکب جنایت غیرقابل بخشش شده بودند. (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م، ج ۲، ص ۲۰۵).

۶۹

اما داعشی‌ها فقط به کشتن می‌اندیشند و مسلمانان غیرنظامی سنی و شیعه، اعم از کودکان و زنان و سالخوردگان را با خشونت‌بارترین روش می‌کشند. طبق گفته یکی از اعضای جبهه‌النصره داعشی‌ها همین‌طوری و بدون گناه آدم می‌کشند و حتی دست کسی را که سیگار کشیده فوری قطع می‌کنند (تودنهورف، ۱۳۹۵، ص ۷۷). داعشی‌ها بدون مجوز شرعی و قرآنی انسانهای بی‌گناه و حتی کودکان را در ملأعام سر بریده و از آنها فیلم‌برداری کرده و در رسانه‌ها منتشر می‌کردند و سرهای بریده شده را به نمایش گذاشته و بدن‌های

کشته‌ها مثله می‌کردند (تودنهورفر، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲-۱۱۹). حتی داعشی‌ها کودکان غیرداعشی را کافر تلقی کرده و محبت به آنها را جایز ندانسته و کشتنشان را لازم و حتی بازی کردن با سرهای بریده آنها را جایز می‌دانند (امینی، ۱۳۹۵، ص ۳۳۶).

### رفتار نیکو با کافران از دیدگاه اسلام

خداوند به صراحت مسلمانان را نه تنها از کشتن کفار منع می‌کند، بلکه دستور داده که با آنان رفتار نیکو داشته و قسط را درباره آنان رعایت کنند: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ...» (ممتحنه / ۸ و ۹)؛ یعنی خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی‌کند چراکه خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد. در ادامه این آیه شریفه مسلمانان را از دوستی با کافرانی باز می‌دارد که با مسلمانان می‌جنگند و آنان را از خانه‌هایشان بیرون می‌کنند.

قرآن با آیه «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت / ۴۶) توصیه می‌کند که با اهل کتاب جز به روشی که از همه بهتر است مجادله نکنید و با اهل کتاب و کافران باید به صورت منطقی گفت‌وگو انجام گیرد. تعبیر به «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، تعبیر بسیار جامعی است که تمام روش‌های صحیح و مناسب مباحثه را شامل می‌شود، چه در الفاظ، چه در محتوای سخن، چه در آهنگ گفتار و چه در حرکات دیگر همراه آن؛ بنابراین مفهوم این جمله آن است که الفاظ شما باید مؤدبانه، لحن سخن دوستانه محتوای آن مستدل، آهنگ صدا خالی از فریاد و جنجال و هرگونه خشونت و هتک احترام، باشد، همچنین حرکات دست و چشم و ابرو که معمولاً مکمل بیان انسان هستند همه باید بر همین شیوه و روش انجام گیرد. اینها همه به خاطر آن است که هدف از بحث و مجادله برتری‌جویی و تفوق‌طلبی و شرمندگی طرف مقابل نیست، بلکه هدف تأثیر کلام و نفوذ سخن در اعماق روح طرف است و بهترین راه برای رسیدن به این هدف همین شیوه قرآنی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۲۹۹). لازمه این آیه شریفه این است که کافرانی که علیه اسلام و مسلمانان متعرض نشده و به جنگ نمی‌پردازند باید زنده بمانند تا با آنها جدال احسن انجام بگیرد. اگر آنان

کشته شوند دیگر موضوعی برای جدال احسن وجود نخواهد داشت. این آموزه‌های قرآن معقول‌ترین آموزه‌ها در نفی خشونت و کشتن انسان است که عملکرد گروه‌های تروریستی نه تنها هیچ سنخیتی با آنها ندارند، بلکه با صراحت با آنها در تناقض است.

### بررسی آیات خشونت در قرآن

در قرآن یک سلسله آیاتی درباره جنگ و جهاد با دشمنان وجود دارند که بر تجویز خشونت در دین اسلام دلالت دارند. توجه به این امر لازم است که آیات خشونت‌آمیز در قرآن کریم مربوط به حالت جنگ با دشمنان است. هیچ کس و هیچ طایفه‌ای در جامعه بشری دیده نشده که در هنگام جنگ از دشمنانش با عزت و اکرام پذیرایی کرده و به آنان احترام نمایند و در نهایت آنان را نکشند. اگر کسی چنین عملی در برابر دشمن انجام دهد شکست او اجتناب‌ناپذیر بوده و در معرض ملامت همه عقلا قرار می‌گیرد؛ بنابراین خشونت معقول در جنگ و برخورد با مفسدان و ایجاد امنیت و آرامش حتی در غیر میدان جنگ لازم است. در میدان جنگ باید جنگجویان با غلظت و قهرآمیز بجنگند و از هر اهرم معقولی استفاده کنند تا روحیه دشمن را تضعیف کرده و در نهایت باعث شکست آنان شوند. در میدان جنگ نباید عملی انجام شود که باعث شکست خود او گردد؛ زیرا جنگ به قصد کشتن و از بین بردن دشمن است. تمام آیاتی که مخالفان اسلام آنها را دلیل بر خشونت‌گرایی دین اسلام قلمداد کرده‌اند، سخت‌گیری در میدان جنگ را توصیه می‌کنند. مثلاً آیه ۱۲ سوره انفال که درباره جنگ بدر است چنین می‌فرماید: «إِذْ يُوْحٰى رَبُّكَ اِلٰى الْمَلٰٓئِكَةِ اَنۡىۡ مَعَكُمْ فَتَّبِعُوا الَّذِيۡنَ اٰمَنُوۡا سٰلِقِيۡ فِىۡ قُلُوۡبِ الَّذِيۡنَ كَفَرُوۡا الرَّعۡبَ فَاۡضِرُّوۡا فَوْقَ الْاَعۡنَاقِ وَاۡضِرُّوۡا مِنْهُمۡ كُلَّ بَنَانٍ». مراد و معنای آیه این است که خداوند مسلمانان را به وسیله بشارت و آرامش دادن به دل‌ها نصرت و یاری کرده تا از مشرکینی که چندین برابر مسلمانان بودند به وحشت نیافتند؛ و نیز در دل کفار رعب و وحشت ایجاد کرد تا از جمعیت کم مسلمانان در هراس شوند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۴). ادامه آیه که دلالت بر خشونت دارد و می‌گوید که بالای گردن‌ها را بزنید معنایش این است که سرها را بزنید؛ و مراد از «كُلَّ بَنَانٍ» جمع اطراف بدن است، یعنی دو دست و دو پا و یا انگشتان دست‌هایشان را بزنید تا قادر به حمل سلاح و به دست گرفتن آن نباشند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۵).

این خشونت مساوی با کشتن دشمن در میدان جنگ است که امروز با تفنگ این کار انجام می‌شود و در میدان جنگ باید دشمن کشته شود و نکشتن دشمن در میدان جنگ امر نکوهیده و غیرمعقولی است. کشتن دشمن یا با زدن شمشیر بر فرق و گردن آنان امکان‌پذیر است و یا با زدن شمشیر بر اطراف بدن او و یا اگر کشته نشود و مورد رحم قرار بگیرد انگشتانش باید قطع شود که در میدان جنگ از کار بیفتد و نتواند سلاح در دست بگیرد. از پای درآوردن دشمن در میدان جنگ جز با این کارها ممکن نیست. میدان جنگ ناگزیر از خشونت است، بلکه میدان جنگ میدان خشونت است. اینکه در میدان جنگ نباید با دشمن نرمش کرد از طرف همه عقلای عالم پذیرفته شده و غیرقابل خدشه است. سایر آیات قرآن کریم که دلالت بر خشونت دارند نیز دستوراتی هستند که فقط در میدان جنگ قابل اعمال است.

بنابراین آیاتی که در میدان جنگ سخت‌گیری بر دشمن را توصیه می‌کند نه تنها مورد اشکال نیست؛ بلکه هماهنگ با اهداف جنگ بوده و مطابق با حکم عقل و خواست عقلا است. برخورد تند با اسرا امری است که باعث هدایت آنها شده و در نتیجه به نفع آنان تمام می‌شود. در عین حال در دین اسلام با وجود این سخت‌گیری‌ها در جنگ، کشتن و شکنجه کردن و اذیت و آزار بدنی اسیران به صورت مطلق، ممنوع و حرام است و ارتکاب این اعمال از طرف هرکسی باشد مخالفت با دین اسلام است. اسرای دشمن بدون فدیة یا با دادن فدیة آزاد گردیده و یا اینکه به بردگی گرفته می‌شوند (شهید ثانی، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م، ج ۲، ص ۴۰۰-۴۰۱). کشتن زنان، پیرمردان و خردسالان و حتی خنثای مشکل، آب بستن بر دشمنان، آتش زدن زراعت و قطع درختان بر مبنای دین اسلام حتی در حال جنگ ممنوع و کار خلاف شرع است و همچنین تخریب حصارها و استفاده از منجنیق کراهت دارد، مگر اینکه جنگ متوقف بر آنها باشد (شهید ثانی، ۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م، ج ۲، ص ۳۹۲-۳۹۳).

### عملکرد داعش و گروه‌های تکفیری

عملکرد گروه‌های تکفیری و تروریستی هیچ ربطی به آموزه‌های اسلام ندارد چه اینکه اصلاً آنان اجازه ندارند به نام جهاد با کفار یا غیرکفار به جنگ بپردازند تا چه رسد که رفتارهای غیرانسانی و ظالمانه آنان از طرف اسلام مورد تأیید قرار بگیرند. داعشی‌ها و دیگر گروه‌های تکفیری مرزهای توحش را درنوردیده و پای‌بند به هیچ معیار و ملاک انسانی و اسلامی نیستند و براساس

خواست‌های نفسانی خود رفتار می‌کنند. گروه داعش و دیگر گروه‌های تکفیری آشکارا با آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبَتُّغُونَ عَرَصَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (نساء/ ۹۴)، مخالفت می‌کنند. این آیه شریفه می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که در راه خدا گام می‌زنید (و به سفری برای جهاد می‌روید)، تحقیق کنید! و به خاطر این که سرمایه ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگوئید «مسلمان نیستی». درحالی که داعش هیچ حرکتی را علیه غیرمسلمانان انجام نمی‌دهند و تحت اسم جهاد مسلمانان را قتل‌عام می‌کنند.

در حقیقت گروه داعش و گروه‌های تکفیری بر طبق آیه «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده/ ۳۳) محارب با خدا و پیامبر بوده و در زمین فساد می‌کنند و کيفر این‌گونه افراد این است که باید اعدام شوند یا به دار آویخته شده و یا دست راست و پای چپشان قطع گردند و یا از سرزمینشان تبعید شوند تا مردم از شر فساد و فتنه آنان در امان گردند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۳۳). کسی که بر مردم رحم نداشته و علیه آنان اسلحه گرفته و جامعه را تهدید می‌کند و مردم را می‌کشد متناسب با جرم و جنایتی که انجام داده باید کشته شود و یا یک‌دست و یک پای او قطع شده و یا اینکه تبعید شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۳۴).

عملکرد گروه داعش مانند سایر گروه‌های تروریستی برپایه ایجاد رعب و وحشت در دل مخالفان خویش از طریق توسل به اقدامات وحشیانه و خشونت‌آمیز شکل گرفته است. داعش در سوریه و عراق با ارتکاب جنایات هولناک مانند بریدن سر، زنده سوزاندن، مثله کردن اجساد قربانیان، پرتاب از بلندی و نمایش انواع و اقسام اعدام‌های وحشیانه و شکنجه‌های غیرانسانی و انتشار آن در رسانه‌ها و فضای مجازی تلاش می‌کند تا با ایجاد رعب و وحشت در دل مخالفان خود، قدرت مقاومت آنان را کاهش دهد (ملک‌زاده، ۱۴۰۱، ص ۲۴۵).

حتی مفتیان داعش برای جنگجویان داعش جهاد نکاح را تجویز کرده که کاملاً متضاد با دین مبین اسلام و شریعت ناب محمدی است. در این فتوا به شورشیان سوریه، اجازه داده شده تا با زنان ازدواج کوتاه و چندساعته داشته باشند. شیخ عریفی در این فتوا گفته است

که بهترین جهادها، جهاد نکاح است و ازدواج بین این مجاهدین و زنان می‌تواند تمایلات شهوانی این جنگجویان را برآورده کرده و عزم آنها را برای جنگ با دولت بشار اسد افزایش دهد. متن سخن عریفی که در توییتر از طرف خودش منعکس شده است این‌گونه است: «زواج المناکحة التي تقوم المسلمة المحتشمة البالغة ۱۴ عاما فمافوق او مطلقة او ارملة جائز شرعا مع المجاهدين فی سوریه و هو زواج محدود الاجل بساعات لکی یفسح المجال لمجاهدين آخرين بالزواج کذالک و هو یشد عزيمة المجاهدين و کذالک هو من الموجبات دخول الجنة لمن تجاهد به». این ازدواج‌ها که وی آن را ازدواج‌های مناکحه یا موقتی می‌نامد، شامل زنان و دختران ۱۴ سال به بالا، مطلقه‌ها و بیوه‌ها می‌شود. او همچنین در این فتوا، بهشت را به آن دسته از زنانی که به این نوع ازدواج با شبه‌نظامیان رضایت می‌دهند، وعده داده است (http://barefly.net/index.php?topic=۲۴۱۱۵).

این گروه تعمداً در هنگام انجام خشونت و بریدن سر انسانها پرچم سیاه را که بر روی آن کلمه طیبه «لا اله الا الله محمد رسول الله» نوشته شده به نمایش می‌گذارد تا این کلمه طیبه در اذهان بینندگان منفور جلوه کند و هرگاه این کلمه را در جای دیگر هم ببینند خشن بودن و خونریز بودن دین اسلام در اذهانشان تداعی شده و از آن دوری جویند.

### تنافی جهاد داعش با جهاد اسلامی

با توضیحاتی که داده شد هر یک از آیاتی که بر جهاد و جنگ دلالت دارند به جنگ‌هایی که در زمان رسول خدا ﷺ از طرف کفار و مشرکان بر مسلمانان تحمیل شده بود، انصراف پیدا می‌کند و از حوادث مربوط به آنها به زمانهای دیگر تحت عنوان وجوب جهاد ابتدایی تجاوز نمی‌کنند تا برای مسلمانان، کشتن کفار و مخالفانی که هیچ تعرض و تجاوزی از سوی آنان متوجه مسلمانان نیست، واجب و یا جایز شود. هیچ عاقلی این مطلب را نمی‌پذیرد که آرامش و امنیت به ناآرامی و ناامنی تبدیل شود. پس تمام آیات جهاد و قتال مربوط به زمان رسول خدا ﷺ می‌شود آن هم در صورتی که میان کفار و مسلمانان جنگی حادث شده باشد و مؤمنان مکلف‌اند که به دستور پیامبر اسلام ﷺ با دشمنان بجنگند و نباید از جنگ و جهاد در راه خدا رو برتابند چه اینکه فرار از جنگ و زبونی در برابر دشمن از نظر عقلا امری ناپسند است و دینی که خود را حق می‌داند نباید به پیروان خود دستور فرار از جنگ و دستور تسلیم شدن به دشمن را بدهد. اگر چنین

دینی وجود داشته باشد اولاً این دین حقانیت خود را زیر سؤال برده و ثانیاً هیچ‌کسی آن را دین معقول و قابل پذیرش نمی‌داند. شجاعت و سخت‌گیری و کوچک شمردن دشمن در جنگ از امور پسندیده و مورد پذیرش عقل و عقلا است.

بنابراین به مجرد وجود آیات جهاد در قرآن هرکسی حق ندارد آن را مستمسک و مجوز کشتن کفار و کسانی که به دین و مذهب او نیست قرار دهد. چه اینکه ائمه اهل‌بیت علیهم‌السلام جهاد را بر مسلمانان با امام عادل واجب می‌داند به این معنا که هرگاه امام معصوم دستور جهاد داد بر مسلمانان واجب می‌شود که به این دستور امام لیبیک بگویند نه اینکه هرکسی از هرجا برخیزد و به نام جهاد با کفار و مخالفان خود جنگ را راه‌اندازی کند. امام رضا علیه‌السلام به مأمون خلیفه عباسی نوشتند: «والجهاد واجب مع الإمام العادل» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۱۸) یعنی جهاد با امام عادل که مراد از آن امام معصوم و مفترض الطاعة است بر مسلمانان واجب می‌شود نه با مثل خلفای عباسی و امثال آنان. حتی امام صادق علیه‌السلام در روایتی جهاد بدون امام معصوم علیه‌السلام را مانند خوردن میت، خون و گوشت خوک حرام دانسته است (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۴۵).

به دلیل همین آیات و روایات از نظر فقها و علمای شیعه امامیه، جهاد ابتدایی بدون حضور امام معصوم جایز نیست؛ بلکه با حضور امام و دستور او و یا دستور نائب خاص او جهاد بر مؤمنان واجب می‌شود. تنها در یک صورت جهاد و جنگ بر مسلمانان آن هم به صورت کفایی واجب می‌گردد که دشمنان بر مسلمانان هجوم آورده و با هجوم آنان کانون اسلام در خطر نابودی قرار بگیرد؛ و این جهاد، جهاد دفاعی است که عقل نیز آن را لازم می‌داند (شهید ثانی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۸۱-۳۸۲).

### رعایت عدالت در جنگ

دین مبین اسلام برای جنگ قوانینی وضع کرده که حتی از ظلم در جنگ علیه دشمنان جلوگیری می‌کند. در قرآن می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره/ ۱۹۰)؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حدّ تجاوز نکنید، که خدا تعدّی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد! این آیه شریفه به‌صراحت می‌گوید با کفاری که با شما می‌جنگند با آنان بجنگید و در جنگ نباید بر آنان ظلم کنید. این تعلیم از تعالیم بسیار ارزشمند قرآنی است که انسانیت و عقلانیت در آن موج می‌زند؛

و یا می‌فرماید: «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ مِثْلَ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره/ ۱۹۴)؛ یعنی و (به‌طورکلی) هرکس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید! و از خدا بپرهیزید (و زیاده‌روی ننمایید)! و بدانید خدا با پرهیزکاران است! در این آیه عدم تعدی بر دشمن کار پرهیزکاران شمرده شده است.

اما اینکه داعشی‌ها یا هر گروه تروریستی و تکفیری خود را قیم اسلام دانسته و به‌جای پیامبر اسلام ﷺ نشسته و با رأی و نظر مبتنی بر هوی و هوس، مردم را اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان قتل‌عام می‌کنند، هیچ ربطی به آموزه‌های قرآن ندارد. این آنان هستند که در هر شرایطی دست به این کارهای غیرمعقول و غیرانسانی می‌زنند؛ بنابراین نه عقاید این گروه‌ها از قرآن گرفته شده است و نه عملکرد آنان از طرف قرآن و آموزه‌های اصیل اسلامی قابل تأیید است؛ بلکه آنان فتنه‌گران و مفسدانی هستند که علیه اسلام قد برافراشته و به حکم قرآن این مسلمانان هستند که باید در قبال گروه‌های تکفیری و تروریستی از اسلام و مسلمانان و مظلومان دفاع کنند.

### نتیجه

نتیجه این شد که اسلام را باید از تعالیم قرآنی و متون اصیل اسلامی به‌دست آورد. دین اسلام به کرامت انسانی ارزش داده و کشتن هیچ انسانی را بدون اینکه مرتکب فساد و فتنه شده باشد تجویز نمی‌کند. آیات متعددی در قرآن نیکو و رعایت قسط با کافرانی را که علیه مسلمانان اقدامی نمی‌کنند مورد تأکید قرار داده‌اند؛ بنابراین عملکرد گروه‌های تروریستی کمترین حکایتی از تعالیم دین اسلام ندارد، بلکه به‌وجود آمدن گروه‌های تکفیری و تروریستی از مخالفت با محتوای دین اسلام ناشی شده است چه اینکه همین گروه‌ها با دلایل متقن توسط غیرمسلمانان پایه‌ریزی شده و از طرف آنان حمایت می‌شوند. به همین دلیل شمشیر این گروه‌ها به‌ویژه گروه داعش گردن مسلمانان را قطع می‌کند. آیات جهاد و جنگ در قرآن کریم چیزی نیست که وجود گروه‌های تروریستی را توجیه کند. در این آیات مسلمانان به کشتن دشمنانی که علیه آنان می‌جنگند تشویق شده‌اند.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد جزری، *أسد الغابة في معرفة الصحابة*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق / ۱۹۸۹م.
۲. ابی سعود، محمد بن محمد العمادی، *تفسیر ابی سعود* (إرشاد العقل السليم إلى مزايا القرآن الكريم)، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳. امینی، لقمان، *دام تکفیر*، ص ۳۳۶، کلام ماندگار، چ ۱، ۱۳۹۵ش.
۴. بوکای، موريس، *مقایسه میان تورات، انجیل، قرآن و علم*، ترجمه: دبیر، ذبیح الله، تهران، دفتر نشر فرهنگ، چ ۱۳، ۱۳۸۸ش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چ ۲، ۱۴۱۴ق.
۶. شهید ثانی، *الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية*، تحقیق: إشراف: کلانتر، السید محمد، نجف، منشورات جامعة النجف الدينية، ۱۳۸۷ق / ۱۹۶۷م.
۷. طباطبائی، سید محمد حسین، *ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵، ۱۳۷۴ش.
۸. عویس، عبدالحلیم، *الدعوة علی منهج النبوه* (اثر التجديد فی الجزائر)، ریاض، ۱۴۲۳ق.
۹. غرناطی کلبی، محمد بن أحمد بن محمد، *التسهيل لعلوم التنزيل*، لبنان، بیروت، دارالکتب العربی، چ ۴، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
۱۰. فخرالدین رازی، محمد بن عمر تمیمی شافعی، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۲۱ق / ۲۰۰۰م.
۱۱. فیروزآبادی، سید حسن، *تکفیری های داعش را بشناسیم*، تهران، دانشگاه عالی دفاع، چ ۱۱، ۱۳۹۳ش.



۱۲. قنوجی، صدیق بن حسن، *أبجد العلوم*، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۸ م.
۱۳. گیتستا و ژانتستا، *دیباچه‌ای بر تاریخ تفتیش عقاید در اروپا و آمریکا*، ترجمه: افشار نادری، غلامرضا، تهران: زرین، چ ۱، ۱۳۶۸.
۱۴. محمد بن عبدالوهاب، *عزیز العظمه*، (المنتخب من مدونات التراث)، عربستان، ریاض، بی تا، بی نا.
۱۵. محمد بن عبدالوهاب، *کشف الشبهات*، ریاض، وزارت الشؤون الاسلامیه، چ ۶، ۱۴۲۰ ق.
۱۶. مغنیه، محمدجواد، *هذه هي الوهابية*، دارالحقیقه، چ ۲، ۱۴۱۴ ق.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چ ۱۰، ۱۳۷۱ ش.
۱۸. ملک زاده، محمد، *سلفی گرایي عوامل و پیامدهای سیاسی*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ ۳، ۱۴۰۱ ش.
۱۹. مولوی، بلخی، جلال الدین، *مثنوی معنوی*، دفتر ششم، تهران، انتشارات پژوهش، ۱۳۷۵ ش.
۲۰. نیشابوری، مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، محقق: محمد فؤاد عبدالباقی، بی تا.
۲۱. یورگن تودنهورفر، *نگاهی به داعش از درون*، (۱۰ روز در دولت اسلامی)، ترجمه: رحمان افشاری، تهران، مهراندیش، چ ۶، ۱۳۹۵ ش.

### خبرنامه و سایت‌های خبری

۱. خبرنامه سیاسی، فرهنگی اجتماعی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. خبرگزاری تسنیم.
۳. سایت خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)
۴. سایت مشرق.